

درس صد و پنجم – نگاهی به weshalb و deshalb در زبان آلمانی

written by مرتضی غلام نژاد | فوریه 22, 2019

سلام دوستان

در این درس می خواهیم با هم نگاهی داشته باشیم به نحوه کاربرد weshalb و deshalb در جملات آلمانی ، قبل از هر چیز اجازه بدید به تمامی معانی آنها پی ببریم ، سپس به ادامه درس پردازیم.

deshalb بدین سبب ، از آن رو ، به این علت ، از این جهت ، لذا

weshalb به چه علت ، به چه دلیل ، از چه جهت ، برای چی

Er ist krank und kann deshalb nicht kommen

او بیمار است و به این علت نمی تواند بیاید.

Weshalb hast du das getan?

به چه دلیل آنرا انجام دادی ؟

برای چی آنرا انجام دادی؟

همانطور که در دو مثال بالا دیدید ، هرگاه بخواهیم جمله مان را سوالی بیان کنیم می بایستی از weshalb استفاده کنیم و هرگاه بخواهیم به یک سوال پاسخ بدهیم آنگاه می بایستی از deshalb استفاده کنیم.

بنابراین weshalb در نقش یک واژه پرسشی عمل میکند و deshalb برای پاسخ دادن به آن

فرض کنید من در زبان فارسی به شما می گویم ، برای چی تو امروز نیامدی ؟ و شما می گوئید : به دلیل اینکه بیمار بودم و نتوانستم بیایم.

همین مثال در زبان آلمانی :

Weshalb bist du nicht gekommen?

Ich war krank, deshalb konnte ich nicht kommen

در زبان آلمانی ما واژگان پرسشی داریم که در پاسخ به آنها می بایستی از واژه مورد نظر خودشان در مقابلشان استفاده شود،
مثلا :

Warum bist du nicht gekommen?

Weil ich krank war

چرا تو نیامدی ؟

چون مریض بودم

همانطور که دیدید در پاسخ به واژه پرسشی warum می بایستی بعد از آن نیز weil بیاید. یعنی هرگاه کسی از ما با warum سوال پرسید ، آنگاه ما می بایستی با weil به او پاسخ بدهیم.

در مورد weshalb و deshalb نیز به همین صورت است.

چند نمونه از واژگان پرسشی به همراه کلمه ای که در پاسخ به آنها استفاده می شود.

Warum stellst Du diese Frage?

Ich frage darum, weil mich eine Antwort interessiert

چرا این سوال را می پرسی؟

من آنرا می پرسم ، چون پاسخی برایم جالب است.

در مثال بالا همانطور که دید weil -> darum -> warrum مورد استفاده قرار گرفت.

که darum روی کرد کلی به تمام جمله ما دارد و weil واژه ای برای پاسخ دادن به warum

Weshalb stellst Du diese Frage?

Ich frage deshalb, weil mich die Antwort interessiert

برای چی تو آن سوال را می پرسی؟

برای این می پرسم ، چون برایم آن پاسخ جالب است.

در اینجا نیز Weshalb واژه پرسشی ما بود و پس از آن deshalb روی کرد کلی داشت به تمام جمله و در نهایت با weil به سوال پاسخ دادیم.

به غیر از واژگان بالا ما deswegen و weswegen رو هم داریم

weswegen معنی مشابه ای همانند warum و wieso دارد ، که به معانی ، چرا ، از چه جهت ، از چه رو

deswegen نیز پاسخ کلی به weswegen ماست که به معانی : به این خاطر ، به خاطر این

Weswegen stellst Du diese Frage?

Ich frage deswegen, weil mich die Antwort interessiert

از چه رو آن سوال را می پرسی ؟

به خاطر این آنرا می پرسم ، چون برایم آن پاسخ جالب است.

یا اینکه می توانم اینگونه نیز ترجمه کرد ، از چه رو آن سوال را می پرسی ؟ از آن رو آنرا می پرسم ، چون برایم آن پاسخ جالب است.

پس در این درس با نحوه warum, darum و بعد از آن weil در جملات آشنا شدیم و همچنین weshalb و deshalb که پس از آنها نیز weil در جمله آمد و پاسخی در مقابل سوال ما بود. و نیز با نحوه deswegen و weswegen و بعد از آن weil نیز آشنا شدیم.

در ادامه چند مثال برای بیشتر آشنا شدن با اشکال مختلف واژگان این درس میزنم. تا بتوانید بهتر آنها را درک کنید.

Ich verstehe nicht, weshalb sie das getan hat

نمیفهمم ، به چه دلیل او آنرا انجام داد؟

Ich weiß nicht, weshalb, aber er hat es getan

نمیدونم ، برای چی ، اما او آنرا انجام داد

Weshalb machst Du so ein trauriges Gesicht?

به چه دلیل چهره ات را غم زده میکنی ؟

واسه چی قیافه ات را اینجوری ناراحت میکنی ؟

Wir wissen nicht, weshalb Morteza sich so entschieden hat

ما نمیدونیم از چه رو مرتضی چنین انتخابی کرد

ما نمیدونیم واسه چی مرتضی چنین انتخابی کرد

Ach, deshalb also

آه ، به این دلیل که اینطور

می توانیم اصطلاح بالا را در زمان های که از Ach so استفاده میکنیم ، به جاش از Ach, deshalb also استفاده کنیم.

فرض کنید کسی از من چیزی را می پرسد و من متوجه نمی شوم و بعد از اینکه توضیح داد اینبار متوجه می شوم و می توانم بگویم Ach, deshalb also یا اینکه بگویم Ach so که می توانیم برای این دو اصطلاح در فارسی معانی اینگونه جایگزین کنیم :

آهان که اینطور ، آهان این بود پس منظورت ، آهان الان فهمیدم و ...

Deshalb brauchst du nicht gleich beleidigt zu sein

به این جهت نیاز نیست که تو الان دلخور شوی

توجه داشته باشید که beleidigt sein یک فعل است به معنی دلخور شدن

که اگر در حالت امری استفاده کنیم اینگونه می شود :

Bitte sei nicht beleidigt. Ich wollte die Sache nur klarstellen

خواهش می‌کنم دلخور نباش. من فقط می‌خواستم مسئله را روشن کنم.

در ارتباط با warum و darum در دروس گذشته به کلی توضیحات و مثال های فراوانی زده شده است و می توانید با یک جستجو ساده در سایت به تمامی آنها دسترسی پیدا کنید.

و با یک مثال از weswegen و deswegen درس امروز را تمام میکنیم.

Weswegen wollte sie nicht kommen?

واسه چی او نمیخواست بیاد ؟

چرا او نمی خواست بیاد ؟

به خاطر چی نمی خواست او بیاد؟

Wegen der langen Anreise?

به خاطر طولانی بودن سفر ؟

به جهت طولانی بودن سفر؟

Ach, deswegen

آهان ، به خاطر اون (بوده پس که نمی خواست او بیاد)

چنانچه شما نیز در ارتباط با این درس ، سوال ، مثال یا نظری دارید ، می توانید آنرا در بخش نظرات همین درس درج کنید. موفق باشید.